

اثر نوع عصاره گیر و دفعات عصاره گیری بر آزادسازی پتاسیم غیرتبادلی از میکاها

سید جواد حسینی فرد، حسین خادمی* و محمود کلباسی^۱

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۹/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۱/۱۸)

چکیده

این تحقیق با هدف تعیین اثر عصاره گیرهای مختلف برای استخراج پتاسیم غیرتبادلی از سه کانی میکایی بیوتیت، فلوگوپیت و مسکوویت انجام شد. کانی‌ها به دو اندازه کوچک‌تر از ۶۰ و ۱۰۰-۶۰ میکرومتر تفکیک و سطوح تبادلی آنها با کلسیم اشباع شد. عصاره‌گیری متوالی با استفاده از سه عصاره گیر شامل اسیدکلریدریک ۰/۰۱ مولار، استات آمونیوم ۱ مولار و کلرید باریم ۰/۰۵ مولار انجام شد. غلظت تجمعی پتاسیم استخراج شده از سه کانی میکایی محاسبه گردید. نتایج نشان داد که اثر عصاره گیرهای مختلف بر هر کدام از کانی‌های میکایی متفاوت بوده و انواع کانی‌هایی که در خاک به عنوان میکا از آنها نام برده می‌شود، می‌توانند مقادیر متفاوتی پتاسیم آزاد نمایند. به طور کلی برای اندازه ذرات ریزتر (کوچک‌تر از ۶۰ میکرومتر) اسیدکلریدریک و برای ذرات درشت‌تر (۱۰۰-۶۰ میکرومتر) استات آمونیوم پتاسیم بیشتری از کانی‌های میکایی استخراج نمودند. پتاسیم استخراج شده از کانی مسکوویت به وسیله عصاره گیرهای استات آمونیوم و کلریدباریم بیش از سایر کانی‌های میکایی بود بنابراین به نظر می‌رسد مسکوویت یک منبع خنثی و بی اثر برای پتاسیم در خاک نیست. هم‌چنین اندازه ذرات کانی‌ها اثر بسیار مهمی بر آزادسازی پتاسیم غیرتبادلی از کانی‌های میکایی داشت و ذرات درشت‌تر پتاسیم بیشتری نسبت به ذرات ریز آزاد کردند. بنابراین توزیع اندازه ذرات کانی‌های میکایی مختلف در خاک‌ها ممکن است یکی از دلایل تفاوت در مقدار آزادسازی پتاسیم در خاک‌ها باشد.

واژه‌های کلیدی: بیوتیت، پتاسیم غیرتبادلی، عصاره‌گیری، فلوگوپیت، مسکوویت

مقدمه

بخش بزرگی از پتاسیم خاک به صورت ساختمانی در فلدسپارها و پتاسیم بین لایه‌ای در کانی‌های میکایی می‌باشد (۱)، ۸ و ۳۰). کانی‌های میکایی در خاک و سنگ‌ها شامل میکاهای اولیه (مسکوویت، بیوتیت و فلوگوپیت)، میکای آبدار یا میکای تخریب شده و ایلیت هستند. به طور کلی آزاد شدن پتاسیم بین لایه‌ای از کانی‌های میکایی به وسیله دو فرآیند انجام می‌شود:

(۱) تبدیل میکاها به کانی‌های ۲:۱ منبسط شونده بر اثر تبادل یون پتاسیم با کاتیون‌های آبپوشیده و (۲) تخریب میکا تحت شرایط اسیدی و تشکیل محصولات هوادیدگی (۳۰). هرچند هوادیدگی میکاها عمدتاً به وسیله غلظت H_2O^+ در محیط خاک کنترل می‌شود ولی خصوصیات ساختمانی کانی مانند کج شدگی و چرخش چهاروجهی، جهت‌گیری یون هیدروکسیل، کاتیون‌های هشت وجهی، نواقص ساختمانی،

۱. به ترتیب دانشجوی دکتری و اساتید خاک‌شناسی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان

*: مسئول مکاتبات، پست الکترونیکی: khkhademi@cc.iut.ac.ir

اندازه ذرات و تخلیه پتاسیم نقش مهمی ایفا می نمایند (۳۰). شدت آزادسازی پتاسیم از بیوتیت (میکای هشت وجهی سه جایی) به ترتیب ۱۳ تا ۱۶، ۷۵ تا ۱۰۵ و ۱۱۸ تا ۱۹۰ برابر فلوگوپیت (میکای هشت وجهی سه جایی)، مسکوویت (میکای هشت وجهی دوجایی) و فلدسپارهای میکروکلین است (۲۸). چهار شکل مختلف پتاسیم در خاک به ترتیب سهل الوصول بودن برای جذب به وسیله گیاهان شامل پتاسیم محلول، تبدلی، غیرتبدلی (تثبیت شده) و ساختمانی می باشد (۸ و ۱۴). تعادل موجود بین شکل های مختلف پتاسیم در خاک، باعث تداوم تأمین پتاسیم می شود. پتاسیم محلول و تبدلی خیلی سریع با هم به تعادل می رسند، در حالی که تعادل بین پتاسیم غیرتبدلی یا تثبیت شده با پتاسیم تبدلی و محلول به کندی صورت می گیرد (۲۹). در خاک های مناطق خشک که غنی از میکا هستند، پتاسیم تبدلی به تنهایی شاخص ضعیفی برای ارزیابی پتاسیم قابل دسترس گیاه است و مقدار میکا در اجزای سیلت و رس هم بستگی بیشتری با پتاسیم قابل جذب گیاه دارد (۱، ۸، ۹ و ۲۵). پتاسیم غیرتبدلی پتاسیمی است که به آسانی قابل تبادل نبوده و در زمان های نسبتاً کوتاه نیز توسط محلول های نمکی آزاد نمی شود ولی بخشی از آن با اسیدنیتریک جوشان قابل استخراج می باشد (۱۰، ۱۴ و ۱۹). وقتی مقدار پتاسیم تبدلی به سطح بحرانی رسید، جذب بیشتر توسط گیاه، با سرعتی که پتاسیم از شکل غیرتبدلی آزاد می شود کنترل می گردد. نقش پتاسیم غیرتبدلی در تغذیه گیاه کاملاً به اثبات رسیده است، حتی برخی آن را منبع عمده تأمین پتاسیم برای گیاه دانسته اند. معمولاً چنین فرض می شود که پتاسیم ساختمانی برای گیاهان به کندی قابل استفاده است (۲، ۵، ۱۰، ۱۲ و ۱۴). آزاد شدن پتاسیم غیرتبدلی لزوماً نتیجه حل شدن کانی های حاوی پتاسیم نیست و ممکن است یک واکنش کند تبدلی باشد. وقتی تبادل آهسته در بین لایه های کانی های رسی نظیر میکا اتفاق می افتد، یون جانشین پتاسیم به شکل بدون آب ابتدا باید وارد لایه های داخلی انبساط نیافته شود، بعد از آن به طور هم زمان این لایه های داخلی تحت تأثیر آپوشی این یون ها منبسط شده و

این یون ها اجازه می یابند که تثبیت یا محبوس شوند و پتاسیم آزاد شده به شکل هیدراته به آهستگی به محل های تبدلی در قسمت های خارجی ذرات رس انتشار می یابند (۳۰). در منابع مختلف از عصاره گیرهای گوناگونی برای استخراج پتاسیم نام برده شده است. از جمله می توان به استات آمونیوم یک مولار، اسیدهای رقیق و غلیظ مانند اسیدنیتریک یک مولار جوشان، اسیدسولفوریک (۲۰)، اسید کلریدریک ۰/۱ مولار (۱۳)، اسیدسولفوریک ۰/۵ مولار (۱) و ۰/۱ مولار (۱۰)، اسیدکلریدریک غلیظ ۶/۵ مولار جوشان (۱۹)، اسیدگزالیک ۰/۱ مولار (۲۳) و نمک هایی مانند سدیم تترافنیل بران (۲۰)، کلرید کلسیم ۰/۲ مولار (۲) و ۰/۱ مولار و کلرید باریم ۰/۰۵ مولار (۲۰) اشاره نمود.

تحقیقات انجام شده در مورد آزاد شدن پتاسیم بین لایه ای در کانی های خالص (۳، ۴، ۲۵، ۲۶ و ۲۷) نشان داده است که پتاسیم بین لایه ای در میکاهای هشت وجهی سه جایی آسان تر از میکاهای هشت وجهی دو جایی آزاد می شود (۲۱). حسین پور مقدار پتاسیم غیرتبدلی آزاد شده به وسیله عصاره گیری متوالی با اسیدسیتریک به عنوان تابعی از زمان از رس های خالص ایلیت، پالیگورسکایت، مونت موریلونیت و بنتونیت را مورد بررسی قرار داد و نتیجه گرفت که سرعت آزاد شدن پتاسیم غیرتبدلی در کلیه این رس ها در مراحل اولیه زیاد و سپس کند شده و با سرعت نسبتاً ثابتی در رس های پالیگورسکایت، مونت موریلونیت و بنتونیت و سرعت بیشتری در رس ایلیت تا ۲۵۰۰ ساعت ادامه می یابد. هم چنین مقدار پتاسیم غیرتبدلی آزاد شده در رس ایلیت بسیار بیشتر از رس های دیگر بوده است (۱).

پتاسیم قابل تبادل با یون NH_4^+ را اصطلاحاً پتاسیم تبدلی گویند، ولی این شکل پتاسیم با پتاسیم تبدلی یکسان نیست. یون NH_4^+ پتاسیم هیدراته و قسمت کوچکی از پتاسیم غیرهیدراته که نزدیک سطوح کانی های ۲:۱ قرار دارد را نیز استخراج می کند (۱۷). این یون قسمتی از پتاسیم جذب اختصاصی شده، که غیرقابل تبادل با یون های کلسیم و منیزیم یا

داخل ایران است.

مواد و روش‌ها

کانی‌های مورد استفاده در این تحقیق سه نوع کانی میکایی بیوتیت، مسکوویت و فلوگوپیت استخراج شده از داخل کشور بودند. مسکوویت و فلوگوپیت مربوط به معادن همدان و بیوتیت مربوط به معدنی در املش بود. برای شناسایی این کانی‌ها و اطلاع از درصد عناصر موجود در آنها، به ویژه مقدار کل پتاسیم، از تکنیک‌های XRD (۱۱) و XRF (۳۱) استفاده شد. دستگاه پراش پرتو ایکس مورد استفاده شیمادزو مدل ۶۱۰ بوده و دارای لامپ با کاتد مسی با جریانی معادل ۴۰ میلی‌آمپر و ولتاژی برابر ۴۰ کیلو ولت بوده است. به منظور اندازه‌گیری مقدار کل عناصر در نمونه میکاها، مقدار ۴ گرم از هریک از آنها ($<100\mu\text{m}$) با ۰/۹ گرم موم (Hoescht wax) کاملاً مخلوط و تحت فشار ۱۵ تن به قرص‌هایی با قطر ۳۲ میلی‌متر تبدیل شد و با استفاده از دستگاه XRF اسپکترو ایکس-لب ۲۰۰۰ (Spectro X-Lab 2000) غلظت کل عناصر تعیین شد.

برای انجام آزمایش‌های عصاره‌گیری، کانی‌ها آسیاب شده و به وسیله الک، در دو اندازه کوچک‌تر از ۶۰ میکرومتر و ۱۰۰-۶۰ میکرومتر تفکیک شدند. برای به حداقل رساندن پتاسیم تبادلی کانی‌ها، سطوح تبادلی هر کانی با کلسیم اشباع شد. به این منظور به نمونه‌های کانی محلول یک مولار کلرید کلسیم با نسبت ۱۰ به ۱ (محلول به کانی) اضافه شد. نمونه‌ها به مدت ۳۰ دقیقه با ۲۰۰ دور در دقیقه با دستگاه تکان‌دهنده برقی تکان داده شدند و در پایان این مرحله با ۳۰۰۰ دور در دقیقه (معادل ۷۶۵ (آر-سی - اف) Relative Centrifugal Force (RCF)) به مدت ۵ دقیقه سانتریفوژ و محلول زلال از خاک جدا گردید. این عمل سه بار تکرار شد. کلرید کلسیم باقی‌مانده با دو بار شستشو با آب مقطر و سپس الکلی اتیلیک ۹۰ درصد تا حصول قابلیت هدایت الکتریکی کمتر از ۴۰ میکرو زیمنس بر سانتی‌متر در محلول رویی، خارج گردید (۲). سپس نمونه‌ها در دمای ۶۰

سدیم است را نیز استخراج می‌کند (۲۲). ارزیابی قابلیت دسترسی پتاسیم در خاک‌های دارای مقادیر متوسط تا زیاد ایلیت مشکل است و NH_4^+ شاخص قابل اعتمادی برای ارزیابی پتاسیم قابل دسترس گیاه در این خاک‌ها نمی‌باشد (۱۷). برای نمونه کاکس و جوارن محدودیت‌های استفاده از استات آمونیوم یک مولار برای تخمین پتاسیم قابل جذب گیاه در خاک وقتی پتاسیم غیرتبادلی در تغذیه گیاه گندم شرکت می‌کند را نشان دادند. به علاوه گزارش شده است که این عصاره‌گیر در استخراج پتاسیم غیرتبادلی قابل جذب گیاه توانایی ندارد (۵). همچنین NH_4^+ می‌تواند در لبه کانی‌های ۲:۱ جذب شده و انقباض ایجاد نماید و از تبادل پتاسیم‌های داخلی بعدی جلوگیری نماید (۲۴) در حالی که Ca^{2+} ، Mg^{2+} و Na^+ می‌توانند با پتاسیم قرارگرفته در لایه‌های عمقی‌تر مبادله شوند (۱۶ و ۳۰).

اسیدها، پتاسیم تبادلی و بخشی از پتاسیم غیرتبادلی را استخراج می‌کنند. یون هیدرونیوم (H_3O^+) قادر است پتاسیم جذب شده در موقعیت‌های سطحی و مقداری از پتاسیم نگه‌داری شده در موقعیت‌های گوه ای را آزاد کند (۲۲). پال و همکاران از روش عصاره‌گیری متوالی توسط محلول کلرید باریم ۰/۱ نرمال برای استخراج پتاسیم از ذرات بیوتیت و مسکوویت، مخلوط بیوتیت و مسکوویت در اندازه‌های مختلف و خاک‌های مختلف هندوستان استفاده نمودند. نتایج آنان نشان داد که رهاسازی پتاسیم از بیوتیت خیلی بیشتر از مسکوویت بود. همچنین این محققان اظهار داشتند که اگر چه ذرات ریز بیوتیت و مسکوویت با هم در خاک‌ها وجود دارند، سرعت آزادسازی و عکس‌العمل گیاه به پتاسیم در ابتدا به حضور بیوتیت بستگی دارد و مسکوویت به عنوان یک منبع خنثی برای پتاسیم مطرح است (۲۰).

تاکنون تحقیقی در خصوص آزادسازی پتاسیم از کانی‌های میکایی استخراج شده از داخل کشور انجام نشده است. هدف از انجام این مطالعه بررسی اثر عصاره‌گیری متوالی با عصاره‌گیرهای مختلف بر آزادسازی پتاسیم غیرتبادلی از سه کانی میکایی بیوتیت، فلوگوپیت و مسکوویت استخراج شده در

درجه سلسیوس خشک گردید.

نتایج و بحث

شناسایی کانی‌های مورد استفاده

نتایج تجزیه XRF کانی‌های بیوتیت، فلوگوپیت و مسکوویت مورد استفاده، نشان داد که مقدار پتاسیم کل این کانی‌ها به ترتیب ۵/۵، ۷/۷ و ۸/۳ درصد است (جدول ۱). بر طبق گزارش کمیته نامگذاری انجمن کانی‌های رسی، میکاهایی که مقدار پتاسیم آنها بین ۴/۵ تا ۸/۵ درصد باشد بار لایه‌ای بین ۰/۶- تا ۱/۰- در واحد فرمولی خود دارند (۱۵) که با نتایج این تحقیق مطابقت دارد. نتایج شناسایی این کانی‌ها توسط پراش پرتو ایکس (XRD) در شکل ۱ نشان داده شده است. پیک‌های ۱/۰ و ۰/۳۳ نانومتر در پراش نگار هر سه کانی وجود دارد ولی پیک ۰/۵ نانومتر در بیوتیت و فلوگوپیت دیده نشده در حالی که در مسکوویت نسبتاً قوی است.

استخراج پتاسیم از کانی‌های میکایی

عصاره‌گیری متوالی پتاسیم از کانی‌های میکایی (کوچک‌تر از ۶۰ میکرومتر)

اثر نوع عصاره‌گیر و دفعات عصاره‌گیری بر مقدار پتاسیم استخراج شده از سه کانی میکایی در شکل ۲ نشان داده شده است. عصاره‌گیری پتاسیم از کانی بیوتیت در اندازه ریز و انجام ۳۰ بار عصاره‌گیری، نشان می‌دهد که استات آمونیوم در کلیه مراحل عصاره‌گیری پتاسیم بسیار کمتری از بیوتیت استخراج کرده است (شکل ۲). اسیدکلریدریک و کلرید باریم تا عصاره‌گیری بیستم مقادیر تقریباً مشابه‌ای از پتاسیم استخراج می‌کنند ولی از آن به بعد اسیدکلریدریک توانایی بیشتری برای استخراج پتاسیم غیرتبادلی دارد. بر اساس نتایج ارائه شده در جدول ۱ درصد کل پتاسیم موجود در کانی‌های میکایی مورد استفاده متفاوت است به طوری که بیوتیت با ۵/۵ درصد کمترین مقدار پتاسیم کل را دارد و بعد از آن فلوگوپیت با ۷/۷ درصد و مسکوویت با ۸/۳ درصد قرار می‌گیرند. براین اساس مقادیر تجمعی پتاسیم استخراج شده، بر حسب درصد کل پتاسیم موجود در کانی‌ها محاسبه گردید (جدول ۲). بنابراین در

عصاره‌گیری متوالی روی کانی‌های اشباع شده مربوط به دو اندازه ذکر شده انجام گردید. برای عصاره‌گیری متوالی سه عصاره‌گیر که هر کدام دارای سازوکار خاصی برای عصاره‌گیری پتاسیم هستند، استفاده شد که شامل: ۱- استات آمونیوم مولار به دلیل این که در سطح وسیع و به طور معمول به عنوان عصاره‌گیر پتاسیم قابل دسترس گیاه استفاده می‌شود. یون آمونیوم از نظر اندازه و انرژی آبپوشی پایین شبیه یون پتاسیم می‌باشد، ۲- اسیدکلریدریک ۰/۰۱ مولار به عنوان یک اسید رقیق که یون H_2O^+ آن می‌تواند با گروه‌های عامل هیدروکسیل متصل به یون‌های آلومینیم، منیزیم و آهن موجود در ساختمان کانی‌ها واکنش داده و سبب حل شدن سطح کانی گردد (۲۷)، و ۳- کلرید باریم ۰/۰۵ مولار به عنوان یک نمک و ترکیبی که توسط پال و همکاران (۲۰) برای کانی‌های بیوتیت و مسکوویت استفاده شده است. یون باریم از نظر اندازه نزدیک به پتاسیم ولی دارای انرژی آبپوشی بیشتری است.

عصاره‌گیری متوالی تا ۳۰ بار توسط عصاره‌گیرهای بالا، بر روی هر کدام از کانی‌ها، انجام گردید. نسبت کانی به عصاره‌گیر ۱ به ۵ (۵ گرم کانی و ۲۵ میلی‌لیتر عصاره‌گیر) بوده و در هر نوبت عصاره‌گیری نمونه‌ها به وسیله دستگاه تکان‌دهنده برقی رفت و برگشتی با سرعت ۲۰۰ دور در دقیقه به مدت ۱۵ دقیقه تکان داده شدند. ارتفاع و قطر ظروف پلاستیکی مورد استفاده در این آزمایش به ترتیب ۹ و ۵ سانتی‌متر بود. بعد از هر نوبت عصاره‌گیری، نمونه‌ها با سرعت ۳۰۰۰ دور در دقیقه (معادل آر-سی-اف ۷۶۵) و به مدت ۵ دقیقه سانتریفوژ و محلول زلال رویی جمع‌آوری گردید. غلظت پتاسیم در محلول رویی به وسیله دستگاه فلیم فتومتر مدل کرنینگ ۴۱۰ اندازه‌گیری شد. آزمایش در دمای معمولی آزمایشگاه (حدود ۲۵ درجه سلسیوس) انجام گرفت. غلظت تجمعی پتاسیم عصاره‌گیری شده از هر کانی میکایی به وسیله هر عصاره‌گیر محاسبه شد.

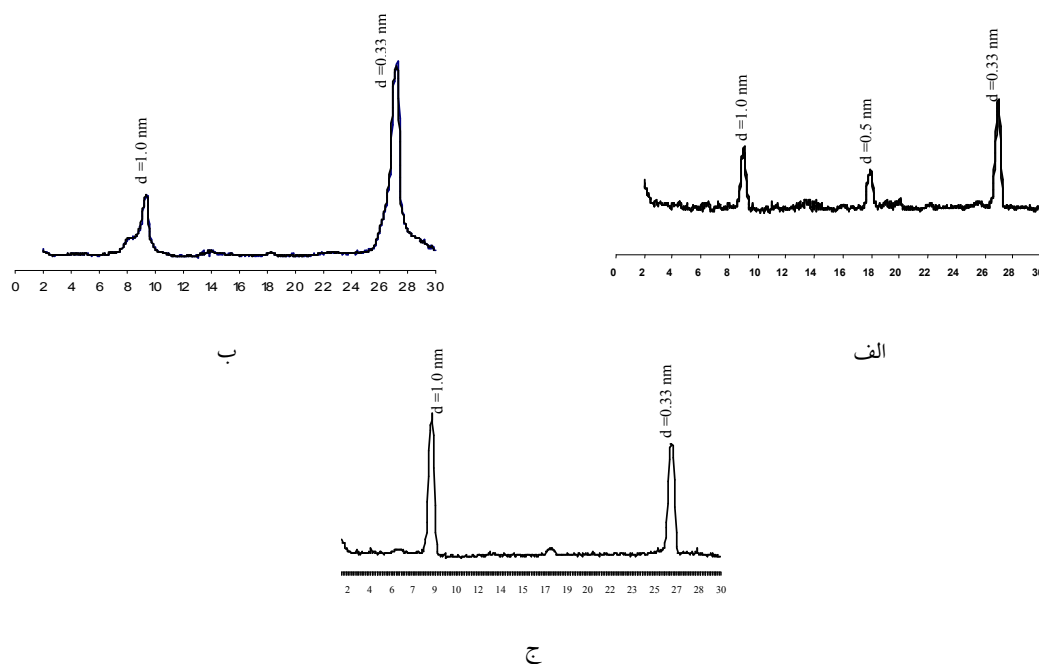
جدول ۱. درصد اکسید عناصر حاصل از تجزیه XRF کانی های میکایی مورد استفاده

کانی	SiO ₂	Al ₂ O ₃	MgO	Fe ₂ O ₃	K ₂ O	CaO	Na ₂ O	TiO ₂	MnO	LOI*
بیوتیت	۳۷/۲۸	۱۳/۶۵	۱۲/۱۲	۱۴/۰۱	۶/۶۶	۲/۸۶	۰/۳۴	۷/۵۷	۰/۰۸	۵/۴
فلوگوپیت	۴۲/۲۴	۱۴/۶	۲۲/۵۴	۴/۶۹	۹/۲۹	۴/۲۱	۰/۴۵	۰/۵۶	۰/۱۱	۰/۹
مسکوویت	۴۸/۳۴	۳۳/۹۲	۰/۰۸	۱/۷۶	۹/۹۸	۰/۱۷	۰/۶۴	۰/۰۶	۰/۰۶	۴/۵

* Loss on Ignition: کاهش وزن در دمای بالا

جدول ۲. اثر نوع عصاره گیر و اندازه کانی بر درصد (از کل) پتاسیم استخراج شده (جمع سی بار عصاره گیری) از سه کانی میکایی

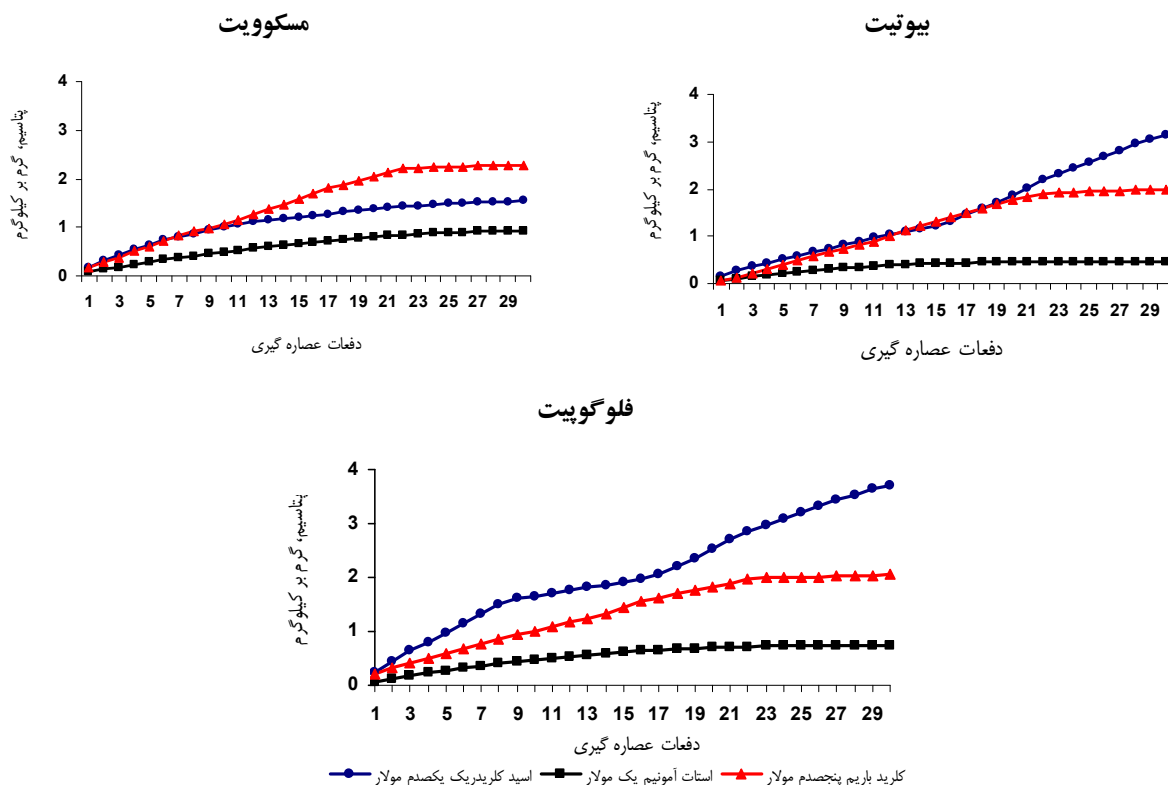
نوع عصاره گیر		اسیدکلریدریک ۰/۰۱ مولار		استات آمونیوم مولار		کلرید باریم ۰/۰۵ مولار	
اندازه کانی	کوچک تر از ۶۰ میکرومتر	کوچک تر از ۶۰ میکرومتر	کوچک تر از ۶۰ میکرومتر	کوچک تر از ۶۰ میکرومتر	کوچک تر از ۶۰ میکرومتر	کوچک تر از ۶۰ میکرومتر	کوچک تر از ۶۰ میکرومتر
بیوتیت	۵/۶۶	۹/۰۱	۰/۸۵	۱۰/۰۹	۳/۶۰	۴/۱۳	
فلوگوپیت	۴/۸۲	۶/۰۹	۰/۹۷	۹/۳۳	۲/۶۶	۳/۲۶	
مسکوویت	۱/۸۶	۲/۳۵	۱/۱۲	۷/۲۱	۲/۷۶	۳/۵۸	



شکل ۱. پراش نگار پرتو ایکس کانی های خالص مسکوویت (الف)، بیوتیت (ب) و فلوگوپیت (ج)

نمودند. بنابراین ترتیب قدرت عصاره گیرهای استفاده شده در این مطالعه برای کانی بیوتیت در اندازه کوچک تر از ۶۰ میکرومتر به صورت اسیدکلریدریک ۰/۰۱ مولار < کلرید باریم ۰/۰۵ مولار < استات آمونیوم ۱ مولار است. در بین کانی های

پایان سی بار عصاره گیری، استات آمونیوم ۰/۸۵ درصد (۴۷/۰ گرم بر کیلوگرم)، کلرید باریم ۳/۶۰ درصد (۹۹/۱ گرم بر کیلوگرم) و اسیدکلریدریک ۵/۶۶ درصد (۱۳/۳ گرم بر کیلوگرم) از کل پتاسیم موجود در کانی بیوتیت را استخراج



شکل ۲. اثر نوع عصاره گیر و دفعات عصاره گیری بر مقدار پتاسیم آزاد شده از سه کانی میکایی ($> 60 \mu\text{m}$)

در شکل ۲ مشخص است تفاوت بین اسیدکلریدریک و کلرید باریم از عصاره گیری بیستم به بعد بارزتر می گردد. احتمالاً از عصاره گیری بیستم به بعد است که واکنش های یون هیدرونیوم با هیدروکسیل های سطح کانی بیشتر شده و با حلالیت بیوتیت پتاسیم بیشتری آزاد می گردد. عدم توانایی یون آمونیوم در تبادل پتاسیم بین لایه های احتمالاً به این دلیل است که NH_4^+ می تواند در لبه کانی های ۲:۱ جذب شده و انقباض ایجاد نماید و از تبادل پتاسیم های داخلی بعدی جلوگیری نماید (۲۴). در حالی که Ca^{2+} ، Mg^{2+} و Na^+ می توانند با پتاسیم قرار گرفته در لایه های عمقی تر مبادله شوند (۱۶ و ۳۰). یون باریم نیز از نظر اندازه و بار شبیه یون های کلسیم و منیزیم است. البته باید در نظر داشت که هر سه یون هیدرونیوم، باریم و آمونیوم در مراحل اولیه عصاره گیری بیشتر با کلسیم تبادلی موجود در سطوح تبادلی کانی ها مبادله می شوند و به مقدار کمتری با پتاسیم موجود در لبه کانی ها مبادله شده و آن

میکایی مورد استفاده انتظار می رود که کانی های با هشت وجهی سه جایی (بیوتیت و فلوگوپیت) نسبت به کانی های با هشت وجهی دو جایی (مسکوویت) سریع تر پتاسیم بین لایه ای خود را در محلول آزاد نمایند. در بیوتیت کاتیون های هشت وجهی غالباً منیزیم و آهن هستند (جدول ۱) که یون های هیدرونیوم با یون هیدروکسیل متصل به آنها در سطح کانی واکنش داده و باعث حل شدن کانی می گردد. این واکنش ها منجر به آزادسازی پتاسیم از ساختمان بیوتیت می شوند (۲۷). یون های آمونیوم و باریم چنین توانایی ندارند و بیشتر با واکنش های تبادلی قادر به آزادسازی پتاسیم از بیوتیت هستند. بنابراین اسیدکلریدریک چون با هر دو ساز و کار تبادلی و حل نمودن سطح کانی بیوتیت پتاسیم بین لایه ای را آزاد می کند نسبت به یون های آمونیوم و باریم که تنها با واکنش های تبادلی عمل آزادسازی پتاسیم را انجام می دهند، در پایان سی بار عصاره گیری پتاسیم بیشتری از بیوتیت آزاد نموده است (شکل ۲). اما همان طور که

را وارد محلول می نمایند. یون باریم به علت ظرفیت بالاتر نسبت به یون های هیدرونیوم و آمونیوم زودتر کلسیم سطوح تبدلی را اشغال نموده و به تبادل با یون پتاسیم موجود در لبه کانی ها و با باز شدن تدریجی لبه ها پتاسیم فضای بین لایه ای پرداخته و موجب آزادسازی پتاسیم می شود.

در مورد کانی فلوگوپیت می توان گفت که گرچه استات- آمونیوم مولار پتاسیم بیشتری از این کانی نسبت به کانی بیوتیت استخراج نموده ولی همچنان نسبت به سایر عصاره گیرها پتاسیم کمتری استخراج کرده است به طوری که در مجموع سی عصاره گیری ۰/۹۷ درصد (۰/۷۵ گرم بر کیلوگرم) از کل پتاسیم موجود در کانی فلوگوپیت را استخراج نموده است. اسید کلریدریک و کلرید باریم تا عصاره گیری سوم مقادیر تقریباً مشابه ای از پتاسیم استخراج کردند ولی از آن به بعد اسیدکلریدریک توانایی بیشتری برای استخراج پتاسیم غیرتبادلی نشان داد به طوری که در مجموع سی بار عصاره گیری کلرید باریم ۲/۶۶ درصد (۲/۰۵ گرم بر کیلوگرم) و اسیدکلریدریک ۴/۸۲ درصد (۳/۷۲ گرم بر کیلوگرم) از کل پتاسیم موجود در کانی فلوگوپیت را استخراج نمودند. (جدول و شکل ۲). احتمالاً به دلیل وجود درصد بالاتری از منیزیم در صفحه هشت وجهی فلوگوپیت نسبت به بیوتیت واکنش یون هیدرونیوم با هیدروکسیل سطح کانی فلوگوپیت بیشتر بوده و از عصاره گیری سوم به بعد پتاسیم بیشتری نسبت به یون باریم آزاد نموده است.

در مورد کانی مسکوویت گرچه استات آمونیوم مولار پتاسیم بیشتری از این کانی نسبت به دوکانی بیوتیت و فلوگوپیت استخراج نموده ولی همچنان نسبت به سایر عصاره گیرها پتاسیم کمتری استخراج کرده است به طوری که در مجموع سی عصاره گیری ۱/۱۲ درصد (۰/۹۳ گرم بر کیلوگرم) از کل پتاسیم موجود در کانی مسکوویت استخراج شده است. اسید کلریدریک و کلرید باریم تا عصاره گیری پانزدهم مقادیر تقریباً مشابه ای از پتاسیم استخراج می کنند ولی از آن به بعد کلرید باریم توانایی بیشتری برای استخراج پتاسیم غیرتبادلی دارد به

طوری که در مجموع سی بار عصاره گیری کلرید باریم ۲/۷۶ درصد (۲/۲۹ گرم بر کیلوگرم) و اسیدکلریدریک ۱/۸۶ درصد (۱/۵۴ گرم بر کیلوگرم) از کل پتاسیم موجود در کانی مسکوویت را استخراج نموده اند بنابراین ترتیب قدرت عصاره گیرهای استفاده شده در این مطالعه برای کانی مسکوویت در اندازه کمتر از ۶۰ میکرومتر متفاوت از آنچه که برای کانی های بیوتیت و فلوگوپیت به دست آمد به صورت کلرید باریم ۰/۰۵ مولار < اسید کلریدریک ۰/۰۱ مولار < استات آمونیوم ۱ مولار است. کاتیون هشت وجهی در مسکوویت غالباً آلومینیم است (جدول ۱) و در برابر یون هیدرونیوم بسیار پایدارتر از منیزیم و آهن موجود در بیوتیت است (۲۷). بنابراین انتظار می رود که کانی مسکوویت کمتر تحت اثر عصاره گیر اسیدکلریدریک قرار گرفته و پتاسیم کمتری آزاد نماید. یون باریم به دلیل دو ظرفیتی بودن نسبت به یون آمونیوم و هیدرونیوم قدرت بیشتری برای اشغال سریع تر سطوح تبدلی و تبادل یون پتاسیم در لبه ها و فضای بین لایه ای مسکوویت دارد. یون آمونیوم احتمالاً به همان دلیل ذکر شده برای بیوتیت نتوانسته است پتاسیم زیادی را استخراج نماید.

مقایسه توانایی عصاره گیرها در استخراج پتاسیم از سه کانی در اندازه کوچک تر از ۶۰ میکرومتر نشان می دهد اسیدکلریدریک ۰/۰۱ مولار بیشترین مقدار پتاسیم را در کلیه مراحل عصاره گیری از کانی فلوگوپیت استخراج نموده است. اثر استات آمونیوم بر استخراج پتاسیم از کانی های میکایی در اندازه کوچک تر از ۶۰ میکرومتر روند تقریباً یکسانی در دفعات مختلف عصاره گیری داشته و این عصاره گیر نتوانسته است کمی بیشتر پتاسیم از مسکوویت استخراج نماید. بعد از آن به ترتیب فلوگوپیت و بیوتیت قرار می گیرند. البته این عصاره گیر نسبت به دو عصاره گیر دیگر پتاسیم خیلی کمتری از هر سه کانی میکایی آزاد نموده است. اثر کلرید باریم بر استخراج پتاسیم از کانی های میکایی نیز روندی مشابه اثر استات آمونیوم دارد با این تفاوت که مقدار پتاسیم آزاد شده با این عصاره گیر بسیار بیشتر بوده است. وجود برخی نواقص ساختمانی در میکاها نیز از

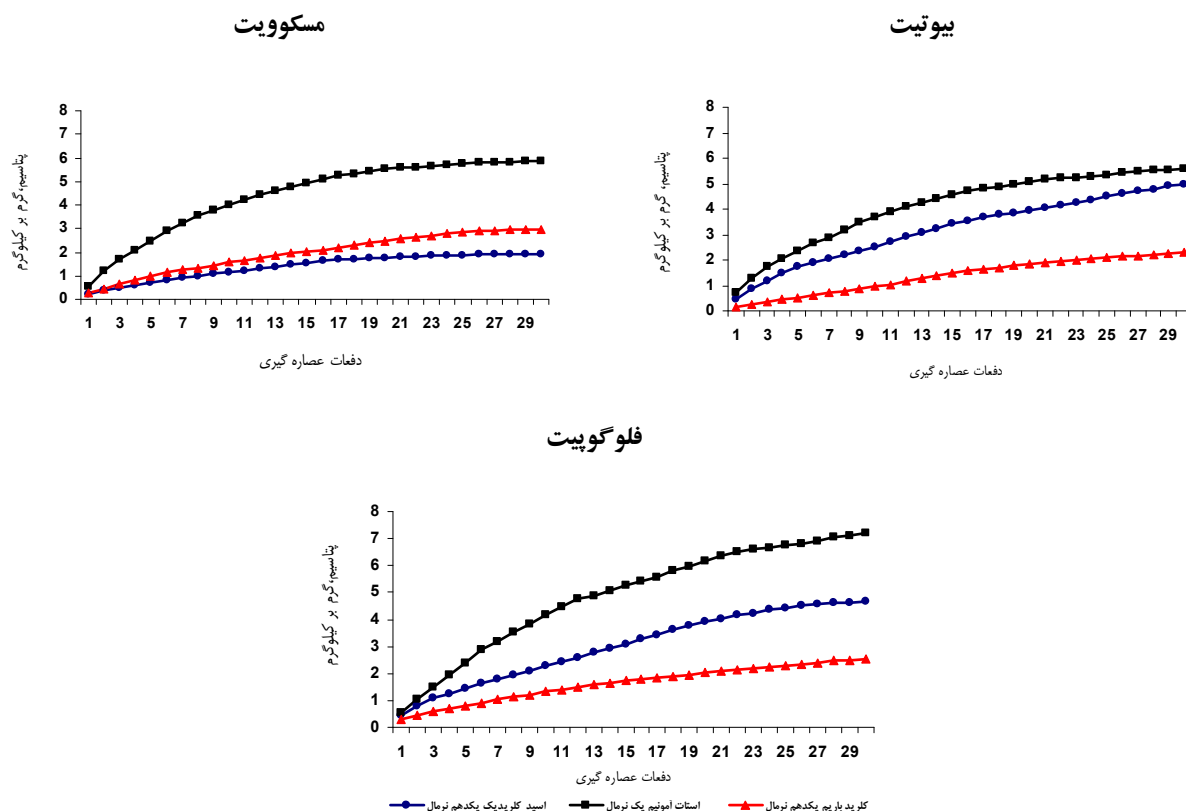
عوامل تأثیرگذار بر آزادسازی پتاسیم از آنها می‌باشد. نواقص ساختمانی نفوذ کاتیون‌های تبدلی به داخل لایه‌ها را نه تنها از طریق لبه‌های جانبی بلکه از طریق درز و شکاف و ترک‌ها به داخل لایه‌ها امکان‌پذیر می‌سازد. مسکوویت گاهی دارای ناپیوستگی در طول صفحه قاعده‌ای می‌باشد. اگر خم شدگی باعث افزایش آزادشدن پتاسیم شود، این صفحات ناپیوسته ممکن است ابتدا سرعت هوادهی را افزایش دهند اما هنگامی که در سرتاسر ذره باز شدند، کاهش فشار حاصل از خم شدگی، آزادشدن پتاسیم را محدود می‌کند (۱۸). روند آزادسازی پتاسیم از سه کانی میکایی مورد استفاده تحت تأثیر دو عصاره‌گیر استات آمونیوم و کلرید باریم نشان داد که احتمالاً نوع مسکوویت مورد استفاده در این تحقیق و یا نواقص ساختمانی آن باعث شده است که این کانی پتاسیم بیشتری آزاد نماید. به طور کلی بیشترین و کمترین مقدار پتاسیم آزادشده از کانی‌ها به ترتیب مربوط به اسیدکلریدریک و استات آمونیوم بوده است و کلرید باریم حالت بینابینی داشته است.

این نتایج نشان می‌دهد که بر خلاف انتظار نه تنها در همه شرایط آزاد شدن پتاسیم از مسکوویت کمتر از بقیه کانی‌ها نیست، بلکه در شرایط انجام این آزمایش آزادسازی پتاسیم از مسکویت، در مورد دو عصاره‌گیر استات آمونیوم و کلرید باریم در کلیه مراحل عصاره‌گیری از دو کانی دیگر بیشتر بوده است. این نتایج با نتایج سایر محققان مغایرت دارد به طوری که اسپارکز عنوان نموده آزادسازی پتاسیم از بیوتیت آسانتر از فلوگوپیت و مسکوویت می‌باشد. شدت آزادسازی پتاسیم از بیوتیت ۷۵ تا ۱۰۵ برابر مسکوویت است (۲۸). هم‌چنین پال و همکاران در آزمایش خود با ۳۵ بار عصاره‌گیری متوالی با کلرید باریم ۱/۰ نرمال از کانی‌های بیوتیت و مسکوویت، رهاسازی پتاسیم از بیوتیت را خیلی بیشتر از مسکوویت دانسته‌اند به طوری که مقادیر تجمعی آزادسازی پتاسیم بعد از ۳۵ بار برای اندازه‌های مختلف کمتر از ۱۰۰ میکرومتر بیوتیت، حدود ۱۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ میلی گرم بر کیلوگرم بوده در حالی که برای مسکوویت ۳ تا ۸ میلی گرم بر

کیلوگرم بوده است. بیوتیت و مسکوویت مورد استفاده توسط این محققان به ترتیب مربوط به ایالت اونتاریو در کانادا و ایالت کالیفرنیا در آمریکا بوده است (۲۰). نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که عصاره‌گیر کلرید باریم ۵/۰ مولار توانسته بعد از ۳۰ بار عصاره‌گیری متوالی ۱/۹۹ و ۲/۲۹ گرم بر کیلوگرم پتاسیم به ترتیب از بیوتیت و مسکوویت استخراج نماید. این مقادیر به ترتیب ۳/۶۰ و ۲/۷۶ درصد از کل پتاسیم موجود در کانی‌های نام برده بوده است. از نتایج حاصل از این تحقیق می‌توان دریافت بر خلاف انتظار کانی مسکوویت مورد استفاده در این تحقیق مقاوم‌ترین کانی در آزادسازی پتاسیم نیست و این نوع مسکوویت احتمالاً می‌تواند در آزادسازی پتاسیم و تأمین نیاز گیاه به این عنصر نقش ایفا نماید.

عصاره‌گیری متوالی پتاسیم از کانی‌های میکایی (۱۰۰-۶۰ میکرومتر)

اثر نوع عصاره‌گیر و دفعات عصاره‌گیری بر مقدار پتاسیم استخراج شده از سه کانی میکایی (۱۰۰-۶۰ میکرومتر) در شکل ۳ نشان داده شده است. با مقایسه شکل ۲ و ۳ می‌توان دریافت که به طور کلی افزایش اندازه ذرات کانی‌های میکایی باعث افزایش پتاسیم آزادشده به وسیله عصاره‌گیرهای مختلف شده است. بیشترین افزایش مربوط به استات آمونیوم مولار می‌باشد که باعث شده مقادیر ۵/۰۱، ۶/۰۵ و ۴/۵۵ گرم بر کیلوگرم پتاسیم بیشتر نسبت به ذرات کوچک‌تر از ۶۰ میکرومتر به ترتیب از کانی‌های بیوتیت، فلوگوپیت و مسکوویت در مجموع سی بار عصاره‌گیری استخراج گردد. تأثیر اندازه ذرات بر آزادسازی پتاسیم بستگی به تناوب و تکرار ناپیوستگی‌ها و درجه خم شدن لایه‌های سیلیکات دارد. اگر اندازه ذرات بزرگ میکا به وسیله آسیاب شدن کاهش یابند، ممکن است نسبت صفحات ضعیفی که شکاف ابتدا در طول ناپیوستگی آنها به وجود می‌آید، کاهش یافته و باعث کاهش آزادسازی پتاسیم گردد (۳۰). هم‌چنین در واکنش‌های تبادل کاتیونی لایه سیلیکائی باید به طرف کاتیون‌های بزرگ‌تر که جایگزین پتاسیم در



شکل ۳. اثر نوع عصاره گیر و دفعات عصاره گیری بر مقدار پتاسیم استخراج شده از سه کانی میکایی (۱۰۰-۶۰ میکرومتر)

(۵، ۷ و ۱۷) که نشان دهنده تناقض هایی در استخراج پتاسیم از خاک های مختلف، خصوصاً خاک های دارای ایلیت زیاد می باشد. بخشی از این تناقض ها را شاید بتوان در نتایج به دست آمده این تحقیق جستجو کرد. همان طور که نشان داده شد استات آمونیوم در استخراج پتاسیم از اندازه ذرات مختلف یک نوع کانی بسیار متفاوت عمل می نماید و علاوه بر این بر کانی های میکایی مختلف که در خاک تحت عنوان کلی میکا نام برده می شوند نیز اثر متفاوت دارد. بنابراین احتمالاً چگونگی توزیع اندازه ذرات کانی ها در خاک ها و نوع و مقدار نسبی هر یک از کانی ها می تواند نتایج متفاوتی از نظر استخراج پتاسیم به دنبال داشته باشد. برای اندازه ذرات ۱۰۰-۶۰ میکرومتر هم بر خلاف انتظار نه تنها در همه شرایط آزاد شدن پتاسیم از مسکویت کمتر از بقیه کانی ها نیست، بلکه در شرایط انجام این آزمایش آزاد سازی پتاسیم از مسکویت به وسیله کلرید باریم در کلیه مراحل عصاره گیری به غیر از نوبت اول از دو

لبه های میکا می شوند، خم گردد این خم شدن تجمعی است و ذرات بزرگ تر و ضخیم تر بیشتر خم می شوند. در همین ارتباط، گزارش شده است که سرعت آزاد سازی پتاسیم به وسیله محلول کلرید سدیم از ذرات درشت بیوتیت بیشتر از ذرات ریز تر می باشد (۳۰).

با دقت در شکل و جدول ۲ می توان دریافت که استات آمونیوم از ذرات درشت ترکانی مقادیر بسیار بیشتری پتاسیم استخراج کرده است. احتمالاً به دلیل این که در ذرات درشت تر سطح ویژه و به دنبال آن کلسیم تبادلی کاهش یافته است آمونیوم نسبت به ذرات ریز تر کمتر به تبادل با کلسیم تبادلی پرداخته و بیشتر متوجه لبه کانی ها می گردد و بیشتر می تواند با پتاسیم تبادل شود. نتایج نشان می دهد بیشترین تفاوت در پتاسیم استخراج شده بین ذرات ریز و درشت مربوط به استات آمونیوم است (جدول ۲) که یک عصاره گیر معمول و رایج برای پتاسیم قابل جذب می باشد و گزارش های متعددی وجود دارد

کانی دیگر بیشتر بوده است. این نتایج با نتایج سایر محققان مغایرت دارد به طوری که اسپارکز عنوان نموده آزادسازی پتاسیم از بیوتیت آسان‌تر از فلوگوپیت و مسکوویت می‌باشد. مقدار پتاسیم استخراج شده به وسیله این محقق از بیوتیت ۷۵ تا ۱۰۵ برابر مسکوویت است (۲۸). البته این محقق عصاره‌گیر خاصی را نام نبرده و این مطلب را به طور کلی بیان نموده است. همچنین پال و همکاران در آزمایش خود با ۳۵ بار عصاره‌گیری متوالی با کلرید باریم ۰/۱ نرمال از کانی‌های بیوتیت و مسکوویت، رهاسازی پتاسیم از بیوتیت در اندازه‌های درشت‌تر را بیشتر از اندازه‌های ریز دانسته‌اند به طوری که مقادیر تجمعی آزادسازی پتاسیم بعد از ۳۵ بار عصاره‌گیری متوالی برای اندازه ۵۰ تا ۱۰۰ میکرومتر بیوتیت، ۲۲۹۵۰ میلی‌گرم بر کیلوگرم بوده در حالی که برای اندازه‌های ۲ تا ۵۰ میکرومتر حدود ۱۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰ میلی‌گرم بر کیلوگرم گزارش شده است (۲۰). برای کانی مسکوویت اگرچه برای همه اندازه ذرات، آزادسازی پتاسیم کم بوده و در حدود ۳ تا ۸ میلی‌گرم بر کیلوگرم گزارش شده، ولی در هر حال آزادسازی پتاسیم از ذرات ریزتر کمی بیشتر از ذرات درشت‌تر بوده است به طوری که مقادیر تجمعی آزادسازی پتاسیم بعد از ۳۵ بار عصاره‌گیری برای اندازه ۵۰ تا ۱۰۰ میکرومتر مسکوویت، ۳ میلی‌گرم بر کیلوگرم بوده در حالی که برای اندازه‌های ۲ تا ۵۰ میکرومتر حدود ۴ تا ۸ میلی‌گرم بر کیلوگرم بوده است (۲۰). نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که کلرید باریم ۰/۰۵ مولار توانسته بعد از ۳۰ بار عصاره‌گیری متوالی از اندازه ذرات کوچک‌تر از ۶۰ میکرومتر و ذرات ۶۰-۱۰۰ میکرومتر کانی مسکوویت استفاده شده در این تحقیق، پتاسیم بیشتری نسبت به کانی بیوتیت و فلوگوپیت استخراج نماید. احتمالاً نوع مسکوویت استفاده شده و وجود نقص‌های ساختمانی موجود در آن چنین نتیجه‌ای را باعث شده است.

مقدار پتاسیم استخراج شده از کانی بیوتیت در اندازه ۶۰-۱۰۰ نشان می‌دهد که استات آمونیوم مولار در کلیه مراحل عصاره‌گیری پتاسیم بیشتری از بیوتیت استخراج می‌کند (شکل

۳) به طوری که در جمع سی بار ۱۰/۰۹ درصد (۵/۵۸ گرم بر کیلوگرم) از کل پتاسیم موجود در کانی بیوتیت را استخراج نموده که در مقایسه با سایر عصاره‌گیرها این مقدار بیشتر است. اسید کلریدریک با روند تقریباً مشابه‌ای از بیوتیت پتاسیم استخراج می‌کند ولی مقادیر آن در کلیه مراحل عصاره‌گیری کمتر از استات آمونیوم می‌باشد به طوری که در مجموع سی بار این عصاره‌گیر ۹/۰۱ درصد (۴/۸۸ گرم بر کیلوگرم) از کل پتاسیم موجود در کانی بیوتیت را استخراج نموده است. احتمالاً در ذرات درشت‌تر به دلیل کاهش سطح ویژه واکنش یون هیدرونیوم با هیدروکسیل‌های سطوح کانی‌ها کاهش یافته و تبادل با پتاسیم لبه‌ها اهمیت بیشتری می‌یابد. بنابراین ترتیب قدرت عصاره‌گیرهای استفاده شده در این مطالعه برای کانی بیوتیت در اندازه ۶۰-۱۰۰ میکرومتر به صورت استات آمونیوم ۱ مولار < اسیدکلریدریک ۰/۰۱ مولار < کلرید باریم ۰/۰۵ مولار می‌باشد (جدول ۲).

روند و ترتیب قدرت عصاره‌گیرها برای کانی فلوگوپیت مشابه کانی بیوتیت است ولی فاصله دو عصاره‌گیر استات-آمونیم مولار و اسیدکلریدریک بیشتر بوده و قدرت استخراج پتاسیم توسط استات آمونیوم بیشتر است (شکل ۳) به طوری که مقدار پتاسیم استخراج شده به وسیله استات آمونیوم ۱ مولار در مجموع سی بار به ۹/۳۳ درصد (۷/۲ گرم بر کیلوگرم) از کل پتاسیم موجود در کانی فلوگوپیت می‌رسد که در مقایسه با سایر عصاره‌گیرها بیشتر است. در حالی که اسیدکلریدریک پتاسیم کمتری در کلیه مراحل عصاره‌گیری استخراج می‌نماید به طوری که در مجموع سی بار این عصاره‌گیر ۶/۰۹ درصد (۴/۶۸ گرم بر کیلوگرم) از کل پتاسیم موجود در کانی فلوگوپیت را استخراج می‌نماید. بنابراین ترتیب قدرت عصاره‌گیرهای استفاده شده در این مطالعه برای کانی فلوگوپیت در اندازه ۶۰-۱۰۰ میکرومتر نیز مانند کانی بیوتیت به صورت استات آمونیوم مولار < اسیدکلریدریک ۰/۰۱ مولار < کلرید باریم ۰/۰۵ مولار می‌باشد (شکل ۳ و جدول ۲).

در مورد کانی مسکوویت استات آمونیوم مولار پتاسیم بسیار

باریم بر دو کانی بیوتیت و فلوگوپیت تقریباً یکسان بوده و به طور کلی پتاسیم کمتری در مقایسه با عصاره گیرهای دیگر از این دو کانی استخراج نموده است. در مورد اندازه ذرات ۱۰۰-۶۰ میکرومتر به طور کلی بیشترین و کمترین مقدار پتاسیم آزادشده به ترتیب مربوط به استات آمونیوم و کلرید باریم بوده است و اسید کلریدریک حالت بینابینی برای آزادسازی پتاسیم از هر سه کانی میکایی دارد.

نتیجه گیری

نتایج حاصل از این تحقیق به طور کلی نشان داد که اثر عصاره گیرهای مورد استفاده در این تحقیق بر هر کدام از کانی های میکایی متفاوت بوده و انواع کانی هایی که در خاک به میکا از آنها نام برده می شود، می توانند مقادیر متفاوتی پتاسیم آزاد نمایند. به طور کلی برای اندازه ذرات ریزتر (کوچک تر از ۶۰ میکرومتر) عصاره گیر اسیدکلریدریک و برای ذرات درشت تر (۱۰۰-۶۰ میکرومتر) عصاره گیر استات آمونیوم پتاسیم بیشتری از کانی های میکایی استخراج نموده اند. هم چنین اندازه ذرات کانی ها اثر بسیار مهمی بر آزادسازی پتاسیم غیرتبادلی از کانی های میکایی دارد به طوری که ذرات درشت تر پتاسیم بیشتری آزاد می نمایند و بنابراین احتمالاً چگونگی توزیع اندازه ذرات کانی های میکایی مختلف در خاک ها از دلایل تفاوت در میزان آزادسازی پتاسیم باشد. تحقیقات تکمیلی در مورد رشد گیاهان مختلف در محیط حاوی کانی های خالص مذکور ضروری به نظر می رسد.

سپاسگزاری

بخشی از هزینه های انجام این تحقیق توسط مؤسسه تحقیقات پسته کشور تأمین شده است که بدین وسیله تشکر و قدردانی می گردد. هم چنین از همکاری صمیمانه آقایان رضا عسکری و مهندس حافظی سپاسگزاری می گردد.

بیشتری نسبت به دو عصاره گیر دیگر استخراج نموده است به طوری که در جمع سی عصاره گیری ۷/۲۱ درصد (۵/۸۸ گرم بر کیلوگرم) از کل پتاسیم موجود در کانی فلوگوپیت استخراج شده است. عصاره گیرهای اسیدکلریدریک و کلرید باریم مقادیر بسیار کمتری پتاسیم از کانی مسکوویت آزاد نموده اند. بنابراین ترتیب قدرت عصاره گیرهای استفاده شده در این مطالعه برای کانی مسکوویت در اندازه ۱۰۰-۶۰ میکرومتر متفاوت از آنچه که برای کانی های بیوتیت و فلوگوپیت به دست آمد به صورت استات آمونیوم مولار < کلرید باریم ۰/۰۵ مولار < اسیدکلریدریک ۰/۰۱ مولار است. کلرید باریم ۰/۰۵ مولار و اسیدکلریدریک ۰/۰۱ مولار به ترتیب ۳/۵۸ و ۲/۳۵ درصد از کل پتاسیم موجود در کانی مسکوویت در اندازه ۱۰۰-۶۰ میکرومتر را استخراج می نمایند (جدول ۲).

کانی فلوگوپیت و بیوتیت بیشترین مقدار پتاسیم آزاد شده را بر اثر عصاره گیری متوالی با عصاره گیر اسیدکلریدریک ۰/۰۱ مولار نشان می دهند و تقریباً در کلیه مراحل عصاره گیری به جز دو سه مرحله اول، پتاسیم بیشتری نسبت به کانی مسکوویت آزاد نموده است. اثر این عصاره گیر بر کانی مسکوویت کمتر بوده است. اثر استات آمونیوم بر کانی های میکایی روند تقریباً یکسانی در دفعات مختلف عصاره گیری داشته و این عصاره گیر توانسته است در پایان عصاره گیری ها از فلوگوپیت پتاسیم بیشتری استخراج نماید. بعد از آن به ترتیب مسکوویت و بیوتیت قرار می گیرند. البته این عصاره گیر نسبت به دو عصاره گیر دیگر پتاسیم بیشتری از هر سه کانی میکایی آزاد می نماید. اثر عصاره گیر کلرید باریم بر کانی های میکایی در اندازه ۱۰۰-۶۰ میکرومتر به گونه ای است که در پایان عصاره گیری ها پتاسیم بیشتری از کانی مسکوویت آزاد شده است با این تفاوت که مقدار پتاسیم آزادشده با این عصاره گیر برای کانی مسکوویت بسیار کمتر از استات آمونیوم مولار و تا حدودی در حد اسیدکلریدریک ۰/۰۱ مولار بوده است. البته روند آزادسازی پتاسیم از هر سه کانی مشابه می باشد. اثر کلرید

منابع مورد استفاده

۱. حسین پور.ع. ۱۳۷۸. مطالعه تثبیت پتاسیم، کمیت به شدت پتاسیم و سرعت آزادشدن پتاسیم غیرتبادلی در تعدادی از خاک‌های ایران. پایان‌نامه دکتری خاک‌شناسی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان.
2. Badraoui M., P. R. Bloom and A. Delmaki. 1992. Mobilization of nonexchangeable K by ryegrass in five Moroccan soils with and without mica. *Plant and Soil* 140: 55-63.
3. Bolt, M., E. Sumner and A. Kamphorst. 1963. A study of the equilibria between three categories of potassium in an illitic soil. *Soil Sci. Soc. Am. Proc.* 27: 294-299.
4. Chute, J. H. and J. P. Quirk. 1967. Diffusion of potassium from mica-like materials. *Nature (London)* 213:1156-1157.
5. Cox, A.E., B.C. Joern, S.M. Brouder and D. Gao. 1999. Plant available potassium assessment with a modified sodium tetraphenylboron method. *Soil Sci. Soc. Am. J.* 63:902-911.
6. Dreher, P. and E.A. Niederbudde. 1994. Potassium release from micas and characterization of the alteration products. *Clay Minerals* 29:77-85.
7. Frank, V. S., H.J. Woodard and J.J. Doolittle. 2002. Plant available potassium assessment through chemical prediction methods. *Commun. Soil Sci. Plant Anal.* 33(9&10):1473-1484.
8. Haby, V. A., M. P. Russelle and E. O. Skogley. 1990. Testing soil for potassium, calcium and magnesium. PP. 181-227. *In: R.L. Westerman (Ed.) Soil Testing and Plant Analysis*. 3rd ed., SSSA. Madison, WI.
9. Hinsinger, P. 2006. Potassium. PP.1354-1363. *In: R. Lal (Ed.), Encyclopedia of Soil Science*. Tylor & Francis Pub., USA.
10. Jalali, M. 2005. Release kinetics of nonexchangeable potassium in calcareous soils. *Commun. Soil Sci. Plant Anal.* 36 (13&14):1903-1917.
11. Klute, A. 1986. *Methods of Soil Analysis, Part 1, Physical and Mineralogical Methods*. 2nd ed., SSSA book series: 5. American Society of Agronomy Inc., USA.
12. Leyval, C. and J. Berthelin. 1991. Weathering of mica by roots and rhizospheric microorganisms of pine. *Soil Sci. Soc. Am. J.* 55: 1009-1016.
13. Majumdar, K., S.K. Sanyal and S. Datta. 2002. Potassium release and fixation behavior of mineralogically different soils of India. 17th WCSS, 14-21 August, Thailand.
14. Martin, W. H. and D. L. Sparks. 1985. On the behavior of nonexchangeable potassium in soils. *Commun. Soil Sci. Plant Anal.* 16: 133-162.
15. Martin, R.T., S.W. Bailey, D.D. Eberi, D.S. Fanning, S. Gugenheim, H. Kodama, D.R. Pevear, J. Srodon and F.J. Wicks. 1991. Report of the Clay Minerals Society Nomenclature Committee: Revised classification of clay minerals. *Clays and Clay Minerals*. 39: 333-335.
16. Mengel, K. 1985. Dynamics and availability of major nutrients in soils. *Adv. Soil Sci.* 2:65-131.
17. Mengel, K. 1993. Potassium status of soil: Assessment and utilization. Regional Symposium on K Availability in Soils of West Asia and North Africa. Tehran, Iran.
18. Mortland, M. and M.K. Lawton. 1961. Relationship between particle size and potassium release from biotite and its analogues. *Soil Sci. Soc. Am. Proc.* 25: 473-476.
19. Naoki, M., Y. Junta and K. Takashi. 2002. Depletion of nonexchangeable potassium in the maize rhizosphere and its possible releasing processes. 17th WCSS, 14-21 August, Thailand.
20. Pal, D. K., P. Srivastava, S.L. Durge and T. Bhattacharyya. 2001. Role of weathering of fine-grained micas in potassium management of Indian soils. *Appl. Clay Sci.* 20:39-52.
21. Read, M. G. and A. D. Scott. 1968. Kinetics of potassium release from biotite and muscovite in sodium tetraphenylboron solutions. *Soil Sci. Soc. Am. Proc.* 26: 437-440.
22. Richards, J.E. and T.E. Bates. 1989. Studies on the potassium supplying capacities of southern Ontario soils. III. Measurement of available K. *Can. J. Soil Sci.* 69:597-610.
23. Sadusky, M. C., D. L. Sparks, M. R. Noll and G. J. Hendricks. 1987. Kinetics and mechanism of potassium release from sandy middle Atlantic coastal plain soils. *Soil Sci. Soc. Am. J.* 51: 1460-1465.
24. Scherer, H. W. 1993. Dynamics and availability of the non-exchangeable NH_4^+-N ; A review. *Eur. J. Agron.* 2:149-160.
25. Scot, A. D. and M. G. Reed. 1962. Chemical extraction of potassium from soils and micaceous minerals with solution containing sodium tetraphenylboron. II. Biotite. *Soil Sci. Soc. Am. Proc.* 26: 41-45.
26. Simard, R. R., C. R. Dekimpe and J. Zizka. 1992. Release of potassium and magnesium from soil fractions and its kinetics. *Soil Sci. Soc. Am. J.* 56: 1421-1428.
27. Song, S. K. and P. M. Huang. 1988. Dynamics of potassium release from potassium bearing minerals as influenced by oxalic and citric acids. *Soil Sci. Soc. Am. J.* 52: 383-390.
28. Sparks, D.L. 1980. Chemistry of soil potassium in Atlantic coastal plain soils. A review. *Commun. Soil Sci. Plant*

Anal. 11:435-449.

29. Sparks, D. L. 1987. Potassium dynamics in soils. Adv. Soil Sci. 6: 1-63.
30. Sparks, D. L. and P.M. Huang. 1985. Physical chemistry of soil potassium. PP. 201-276. In: R.D. Munson (Ed.), Potassium in Agriculture. ASA, CSSA, SSSA, Madison, WI.
31. Taggart, Joseph E., Jr. and D. F. Siems. 2002, Major element analysis by wavelength dispersive X-ray fluorescence spectrometry: U.S. Geological Survey Open-File Report 02-223, p. T1-T9.